

**نویسنده:** بونی کریستین (Bonnie Kristian)  
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2019-09-24».  
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

**آمریکا نمی تواند برنده جنگ داخلی افغانستان برای کابل شود**

## **America Can't Win Afghanistan's Civil War for Kabul**

*اولویت واشنگتن باید پایان دادن به نقش آمریکا در این مبارزه باشد*

*Washington's priority should be ending  
America's role in this fight*



*ایوان چولاکوف / Dreamstime.com*

در هفته گذشته ، دو مورد ناخوشایند دیگری نیز به معضل رنجهای بیکران غیر نظامیان در جنگ دهه های افغانستان دیده و افزوده شد. نخست ؛ یک حمله هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده با هدف از بین بردن نیروهای دولت اسلامی که به جای آن (30) نفرکشاورز

در حال جمع کردن حاصل موم پلی (pine nut) را کشت و (40) غیر نظامی دیگر را مجروح کرد که البته این حمله در ولایت ننگرهار؛ جایی که کشاورزان پس از یک روز طولانی کار در حال استراحت بودند بوقوع پیوست.

چهار روز بعد در سراسر کشور جنگ زده و بخصوص در ولایت هلمند (40) نفر از افراد بی گناه کشته و (18) نفر دیگر مجروح شدند و البته که این رخداد در اثر یک حمله غیر مجاز توسط نیروهای ویژه افغان با حمایت نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا انجام شد مقامات محلی گزارش دادند که هدف از حمله به یک خانه از مخفیگاه طالبان بود؛ اما در این حمله بیشتر کشته شدگان زنان و کودکان بودند که به غرض اشتراک در یک عروسی باهم جمع شده بودند.

تا زمان انتشار این مقاله این هفته د مین (70) کشته است که البته آخرین مورد هم نیست؛ که بر شمار تلفات غیرنظامیان افغانستان طی سال (2019) که تا ماه جولای به نسبت بر سال (2018) رخ داده است افزون نشده باشد. اما آنچه که قابل ذکر است این است که همچو وضع بطور فزاینده غیر قابل تحمل است یعنی بعد از (18) سال مداخله نظامی ایالات متحده؛ افغانستان تا هنوز که هنوز است در حال صلح آمیزتر شدن نیست یعنی که وضع در حال بهبودی نیست؛ مداخله و اشنگتن نتوانسته است جنگ داخلی این کشور را پایان دهد. جنگی که به امنیت و یا عدم امنیت ایالات متحده امریکا اصلاً هیچ ربطی ندارد حالانکه امریکا درگیر در این جنگ است. اگر هر چیزی همانطور که این دو فاجعه غیر مترقبه رخ داد، باز هم رخ دهد و جمعیتی که بگونه طاقت فرسا و بیش از حد همچو وضع و حالات را تحمل کرده اند با رخداد های اضافی دیگر اوضاع از بد بد تر خواهد شد لذا زمان طولانی سپری شده است که باید همچو بهانه های خود ساخته و پرداخته را کنار گذاریم و نیروهای نظامی امریکا را از افغانستان بدون معطلی به میهن شان فرا خوانیم.

اینجا در واشنگتن فرضیه ها و اندیشه های از هم متفاوت و مشترکی وجود دارد و آن اینکه جنگ در افغانستان برای موفقیت فقط به چند ترفند تاکتیکی نیاز دارد، شاید که شما به نسبت حضور تعداد (15000) سرباز امریکایی در افغانستان دچار محسوسه و یا نسبت به آن سروصدای داشته باشید از اینکه اگر این (15000) سرباز کاری را از پیش برده نمیتوانند پس چرا تعداد آنها را تا (100000) سرباز بالا نبرند و یا که چرا برای هژدهمین (18) بار یک فرمانده با صلاحیت را برای پیشبرد کار موثر نه گمارید؟ و یا که شاید شما خواهان انجام ماموریت حملات بیشتر توسط هواپیماهای بدون سرنشین هستید و یا که شما میخواهد که باید توجه بیشتر به ملت سازی ضد شورش معطوف گردد یا که به ارتباط آموزش نیروهای امنیتی افغان؛ مشاوره و کمک به آنها نگران هستید که باید

در این مورد توجه صورت گیرد. و اینکه خواهان پرتاب و آزمایش بیشتر بمب های مادری در آن کشور هستید.

اما اکنون دیده میشود که هیچ یک از همچو ارزوهای شما برآورده نمی شود یعنی که نتوانستید آنچه را که برای خویش هدف قرار داده بودید بر آن اهداف نایل آید **چارت بلان** (Jarrett Blance) معاون سابق نماینده ویژه ای ایالات متحده در افغانستان و پاکستان که توسط واشنگتن پوست به نشر رسید چنین اظهار داشت ما به نسبت یا به دلیل تاکتیکها و یا تعداد سربازان ما ( در افغانستان ) جنگ را از دست نداده ایم بلکه دلیل عدم موفقیت ما در عدم ویا در درست تعریف نکردن تعیین اهداف واقعی در این جنگ فاجعه بار است. ما پس از تلاش های بهم خورده و بی نهایت شلوغ ضد تروریسم اما در اصل و اساس موفق ، اهداف خود را با روش های چندی گسترش دادیم که موجب شکست شد. ما اهداف ضد تروریسم خود را به اهداف حد اکثر وام دادیم.

حفظ و یا نگهداری قطعی این اهداف حد اکثری در مواجهه با همه شواهد و احتیاط اساسی پیامد جالبی را به نسبت ترکیب درد ناک کنونی رکود و آشوب احضار نخواهد کرد و یا فران خواهد خواند. ترفند ها و یا حيله و نیرنگ های تاکتیکی نمیتواند تمرین اساسی با نقص استراتژیک در بازگرداندن یک جامعه خارجی به زور ایجاد کنند یا به عباره دیگر با حيله و نیرنگ نمیتوان تمرین اساسی را در یک جامعه که با نقص استراتژیک همراه باشد از بیرون به زور و جبر روبراه ساخت- لذا «الزامات امنیتی ایالات متحده و منافع ملی نمیتوانند آغاز به توجیه هزینه های انسانی ، استراتژیک و مالی ، ادامه حضور نظامی در مقیاس بزرگ ایالات متحده در افغانستان کنند» برداشت عقب افتاده است بر آمدن توام با دیر بودن است.

«اعتراض رایج نوعی از استدلالی است که شما آنرا شکستید؛ شما آنرا خریداری کردید»: مداخله امریکایی ها مسولیت دولت افغانستان امروز است بنا بر آن ما باید تا برآورده شدن تمام اهداف واشنگتن اعم از سرکوب و محوه تروریسم ؛ حاکمیت خاص و پایداری حفظ و تامین حقوق زنان و .. در اینجا بما نیم و در غیر آن این بی پروایی و ناعادلانه خواهد بود که افغانستان را به حال که کنون دارد به همین حال ترک کنیم .

مشکل این برخوردار به غیر از این واقیعی که افغانستان از (40) سال درگیر در این جنگ نا پایان داخلی بوده است فرضیه دروغین آن است که با مداخله نظامی ایالات متحده میتوان به هر یک از این اهداف تحسین برانگیز دست یافت . واقیعت این است که آنها نمیتوانند بعنوان نزدیک به دوده جنگ بیش از آنچه نشان داده شده است آنطوریکه ممکن است از ما پیش و یا امتحان کید ؛ واشنگتن نمیتواند با بمبارد کردن افغانستان را به سمت دموکراسی و آنها به سبک غربی برگرداند و نمیتواند به جنگ داخلی افغانستان با همچو پالیسی خود پایان دهد.

فلهذا در اینجا است که در مورد مذاکرات ایالات متحده - طالبان و مذاکرات بین الافغانی در حال حاضر احتیاط لازم است و مشکلات افغانستان در نهایت سیاسی است و از این نظر و یا با در نظر داشت این اصل د پیلما سی بویژه در بین احزاب مختلف افغانستان بسیار ارزشمند است. اما پیش بینی خروج نیروهای نظامی امریکا از تحقق توافق جامع با طالبان و کابل تضمین میکند که خروج هرگز نخواهد بود (یعنی که امریکانیت خروج از افغانستان را هرگز ندارد) اگرچه مذاکرات باید ادامه یابد یا یا ن دادن به نقش امریکا در این مبارزه باید اولویت و اشنگتن باشد - بعداً : در سطح جهانی فکر کنید ؛ شرم کنید بطور مداوم - یعنی به سطح جهانی شرم آور است. که و اشنگتن به حضور و یا عدم حضور نظامیان خود در افغانستان حق تعیین و تصمیمگیری را دارد

----- **با تقدیم احترامات (2019-09-30)**

